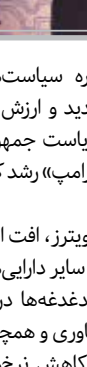


خبر

رمزارزها به نقطه بحران رسیده اند؟

تشدید ریزش بیت کوین در پی سیاست‌های مبهم ترامپ



افت نقدینگی و ابهام دربار سیاست‌های آمریکا، نوسان بیت‌کوین را تشدید و ارزش این رمزارز را که پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده و پیروزی «دونالد ترامپ» رشد کرده بود، خنثی کرد.

به گزارش «ارنا» از خبرگزاری رویترز، افت اخیر بیت‌کوین همراه با کاهش قیمت سایر دارایی‌های دیجیتال رخ داده و با افزایش دغدغه‌ها درباره «تورم ارزش‌گذاری» در بخش فناوری و همچنین نامشخص بودن زمان و دامنه کاهش نرخ‌های بهره از سوی بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو)، همزمان شده است.

توماس پرویست، تحلیلگر موسسه داده‌های رمزارزی «کایکو»، با اشاره به روند کاهش نقدینگی بازار گفت: «این انقباض چند ماهی است آغاز شده و همچنان ادامه دارد و احتمالاً برای مدتی تداوم خواهد داشت. کاهش نقدینگی، به حرکت‌های قیمتی تندتر و بی‌ثبات‌تر منجر می‌شود».

بر اساس این گزارش، پس از آنکه ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، کوین وارث را به‌عنوان رئیس‌بندی فدرال رزرو معرفی کرد، بازار فلزات گرانبها و رمزارزها با فروش سنگین مواجه شد؛ سرمایه‌گذاران این انتصاب را نشانه‌ای از احتمال کوچک شدن ترانزاکشن فدرال رزرو در نتیجه کاهش تقاضای دارای‌های پیرسک از جمله بیت‌کوین ارزیابی کردند. از آن زمان قیمت‌ها نوسانی بوده و بیت‌کوین پس از افت تا حدود ۲۰ درصد، روز جمعه (۱۷ بهمن) بخشی از کاهش را جبران کرد.

نوسان‌های اخیر، چشم‌انداز بیت‌کوین و دیگر رمزارزها در سال پیش‌رو را با علامت سؤال روبه‌رو کرده است. دنی گالیندو، استراتژیست سرمایه‌گذاری در «مورگان استنلی ولت منیجمنت»، با اشاره به افت‌های شدید قبلی بیان کرد: «سقوط ناگهانی پاییز، مثل سوزنی بود که حباب مهمی را ترک‌اند».

موضع صندوق دولت ترامپ نسبت به رمزارزها سال گذشته به رشد قابل توجه بیت‌کوین کمک کرد و قیمت آن را در مقطعی به اوج تاریخی بالای ۱۲۵ هزار دلار رساند، با این حال سیاست‌های حمایتی اعلام‌شده در سال گذشته میلادی نیز نتوانسته از افت‌های اخیر جلوگیری کند.

بیت‌کوین روز پنجشنبه (۱۶ بهمن) به زیر ۶۱ هزار دلار سقوط کرد، سطحی که پایین‌ترین رقم از حدود یک ماه پیش از انتخابات ترامپ عنوان شده است. با این حال برخی تحلیلگران معتقدند احتمال نزدیک شدن بازار به کف وجود دارد.

اثر ترامپ

رویترز در این گزارش می‌افزاید: قیمت بیت‌کوین پس از انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری جدید آمریکا، به شدت افزایش یافت، زیرا سرمایه‌گذاران پیش‌بینی می‌کردند که دولت او سیاست‌های جدیدی را در جهت حمایت از رمزارزها به‌عهده‌های انتخاباتی خاص خود، از جمله ایجاد یک ذخیره استراتژیک بیت‌کوین، عمل خواهد کرد.

خود ترامپ در سرمایه‌گذاری‌های متعدد رمزارز، از جمله یک میم‌کوین با همین نام و یک پروژه به نام ورلد لیبرتی فاینانشال که توسط خانواده‌اش رهبری می‌شود، مشارکت دارد.

دولت خیلی سریع برای مهم‌ترین مطالبه صنعت رمزارز دست به کار شد. در کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) یک رویکرد جدید اعمال و قانونی برای تنظیم مقررات توکن‌های رمزارزی هم‌از دالر (استیبل‌کوین‌ها) تصویب شد. با این حال، هنوز معلوم نیست چه اقدامات دیگری در حمایت از رمزارزها در راه باشد.

در این بین به‌ویژه بیت‌کوین از وعده انتخاباتی ترامپ برای ایجاد یک «ذخیره ملی بیت‌کوین» نیرو گرفت. با اینکه ترامپ با امضای یک فرمان اجرائی، ذخیره بیت‌کوین را از محل رمزارزهای بدست‌آمده در جریان پرروندهای قضایی و مصادره اموال تشکیل داد، اما به گفته گالیندو، دولت هنوز وارد خرید گسترده بیت‌کوین نشده است.

این استراتژیست سرمایه‌گذاری در «مورگان استنلی ولت منیجمنت» افزود: ذخیره تشکیل شد، اما شاید آن «لحظه بزرگی» نبود که بعضی‌ها قبل از مراسم تحلیف به آن امیدوار بودند.

مسر مذاکرات ایران و آمریکا بررسی شد

توافق یا تکرار یک بن بست قدیمی؟

مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط درحالی به پایان رسید که هیچ پیشرف دیپلماتیکی در روند منازعه ایجاد نشد. این گفت‌وگوها زمینه حفظ دیپلماسی را فراهم کرد، اما با تشدید فشار نظامی و لفاظی‌های تند طرفین، ابهام و عدم قطعیت این مسیر را عمیق‌تر کرده است.



چنین رویارویی‌ای متحمل تلفات سنگینی شود، آمریکا و اسرائیل نیز هزینه‌های قابل توجهی خواهند پرداخت؛ و همان گونه که تریتا پارسی تأکید می‌کند، «ترامپ تمایل چندانی برای تلفات انسانی یا جنگی فرسایشی ندارد.»

خط قرمز اولیه دونالد ترامپ که شاید همچنان خط قرمز واقعی او باقی مانده باشد مجموعه‌ای از مطالبات حاکمیتی است: بسازی صفر تا یک محدودسازی توان عملی و قطع حمایت ایران از نیروهای مقاومت منطقه ای. به گفته تریا پاران این شروط «در حکم تسلیم کامل است؛ آن هم در شرایطی که ایران از منظر نظامی شکست نخورده است». او همین روز بسیاری از تحلیلگران معتقدند چنین مطالباتی، دیر یا زود، مسیر مذاکرات را به بستن و نه‌بستن فروپاشی خواهد کشاند.

در سراسر دیگر، حتی هسته‌ای می‌تواند به صورتی که صرفاً بر مبنای غنی‌سازی مسرّع باشد نیز می‌تواند برای ترابری هم‌نم‌ها شود. و توافق غنی‌سازی ۲۰۱۵ با ایران را زمانی «بهترین توافق تاریخ» نامیده بودند. اکنون هر توافق که شباهتی معنار را به آن داشته باشد، به سختی قابل غلبه به‌عنوان پیروزی سیاسی خواهد بود. در مذاکرات جاری، ایران حاضر به تسویه کامل غنی‌سازی نیست، اما بنا بر گزارشی آمادگی دارد سطح آن را به حدود ۳ درصد کاهش دهد. رقمی به‌صورت پایمان به‌تر از آن که در ۲۰۱۵ به آن دست یافت.

با این حال، توافق ۲۰۱۵ نیز سقف غنی‌سازی را روی ۳٫۶۷ درصد تثبیت کرده بود؛ و از این رو، بازگشت به تابه‌تربعی مشابه، به‌سختی می‌تواند به‌عنوان دستاورد محسوب شود. علاوه بر این، توافق شامل «پنجاه‌هزار غروب» و محدودیت‌های زمانی بود؛ عناصری که ترامپ از منتقدان سرسخت آن‌ها به‌شمار می‌رفت. از زمانی که ترامپ، تنها توافقی جدید که فاقد محدودیت زمانی است، می‌تواند دست‌گیر در سطح نظری توافقی «پنتر» (پنتر) تلقی شود؛ اگر به لغو بخش قابل‌توجهی از تحریم‌های اقتصادی بینجامد.

شبه کودتا، همه این کارها را کردند به نتیجه نرسیدند، ما این هم معلوم نیست، ممکن است فریب باشد، وودشان را انجام دهند، ما مذاکره می‌کنیم یا به نتیجه رسیدیم.

مربوط به سیاست خارجی و وزارت خارجه صدای می‌شود گفت: سیاست خارجی موفق با اجاعا رد و ما در وزارت خارجه تلاش کرده ایم یک اجاعا هایی که دفعه ملی داشتند همراه شدند و افرادی اسی دارند را نمی‌توان کاری کرد، باید تحمل کرد.

در سوی دیگر، ایران و عباس عراقچی، مذاکره‌کننده‌ای ازجمله و کهنه‌کار سابقه‌ای طولانی در کشاکش این مذاکرات و فرسایش طرفه‌ای دارند. نظامی که خود را در معرض تهدیدی وجودی ببیند، به‌صرفه کمتر به خویشتن‌داری در پاسخ‌های تلافی‌جویانه تن می‌دهد؛ وفاق‌هایی که یکی از دلایل اصلی فشار متحدان آمریکا در قبال ایران است جمله رستوران مصر، مورد و همان برای یافتن راه‌حلی دیپلماتیک به شمار می‌آید. صنم وکیل، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در اندیشکده متحده می‌گوید: «آنچه واقعاً جلب توجه می‌کند این است که ایران همان‌چرا در یک چارچوب ثابت برای مذاکره بافشاری درازتر گویي نه تهدید داخلی و نه توان‌گن تراپی و هشداری و تغییر در معادله ایجاد کرده‌اند. شروط و شرایط مذاکره، دقیقاً همان‌هایی است که پاییز گذشته و پیش از آن، در ۱۹۰۷ روز ژوئن مطرح بود.» گفته او، پرسش کلیدی این است که آیا ترامپ صبر لازم برای عبور از مسیر پرپیچ‌وخم یک توافق کارآمد شده را دارد یا نه؟ پرسشی که، تهران، به‌نصیب، در حال حاضر، از دست آن است.

پنجرای کوتاه میان سبک و سوسه دیپلماسی
همان گونه که پیشتر در پرونده ونزئلا دیده شد، تقویت حضور نظامی آمریکا در مجاورت ایران با هدف تشدید فشار و واداشتن تهران به امتیازدهی صورت گرفته است؛ اما در عین حال، نیروهای آمریکایی برای آمادگی در برابر یک درگیری گسترده و منطقه‌ای، به پایتختی بیشتری نیاز دارند. همین فاصله زمانی، پنجرای محدود برای گفت‌وگو می‌گشاید؛ پنجره‌ای که مشخص نیست تا چه زمانی باز خواهد ماند.

تربت پاریس، پژوهشگر مسائل ایران در مؤسسه کوئینسی در واشنگتن می‌گوید: (در میان تصمیم‌گیران ایرانی این باور نیرومند وجود دارد که ترامپ تصویری اغراق‌آمیز و نادرست از ضعف‌های ایران در ذهن دارد.) به گفته او، اگر قرار باشد ذی‌صلاحی به نتیجه برسد، اصلاح‌گفته‌ها، شاید یک جنگ کوتاه‌ام‌اشدیدی برای اوضاع ایران برداشت و داشتن ترامپ به پذیرش مطالبات واقع‌بینانه‌تر، اجتناب‌ناپذیر باشد. حتی اگر ایران در

بحث عملاً
رسیدند به
همه کارهای
می‌رسیم به
رئیس
در موضوع
واحد شنبه
می‌گذرانیم.

سوالی مبنی بر این که علت دشمنی
تفت: باید اینطور پاسخ داد که علت
چیست؟ در مورد هسته‌ای، ما در
ایم که نکردیم؟ در مورد مذاکره مثلاً
تقریباً با آمریکا داشتیم و به توافق هم
نرسیده‌ایم. مسائل هم در به افروخته
نی گفتم علت دشمنی افراطی
ام. در حقیقت نمی‌تواند تحمل کند
که دغدغه‌

حداکثری، جنگ، اسنپ بک، اخیراً صبر می‌گ

او گفت برای رسیدن به توافق «عجله‌ای» ندارد. او تأکید کرد که ایران باید به «عدم دستیابی به سلاح هسته‌ای» متعهد شود؛ عبارتی که بر عین سادگی، شامل اطمینان‌هایی از اِهام است. همین اِهام، بلافاصله به پرسش‌برانگیز شد. ایران پیش‌تر بارها اعلام کرده که هرگز در پی ساخت سلاح هسته‌ای نخواهد بود؛ ادعایی که دولت‌های غربی آن را با تردید می‌نگرد. در مقابل، موازنه‌کنندگان آمریکا تصریح کرده‌اند که خط قرمز واشنگتن، نه صرفاً سلاح هسته‌ای، بلکه توقف کامل هرگونه غنی‌سازی اورانیوم در ایران است.

مطالبات آمریکا، آن گونه که در بسته اولیه مطرح شده‌اند، دامنه‌ای گسترده و سخت‌گیرانه دارند: تحویل کاملی ذخایر ابرنیوی غنی‌شده ایران به سویز حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم نزدیک به درجه تبلورهای ۵۰۰ برای ساخت نزدیک به ده کلاهک هسته‌ای کفایت می‌کند؛ محدودسازی برد موشک‌های بالستیک به گونه‌ای که خط اسرائیل در قیاس نباشد؛ و قطع کامل حمایت، تهران از نیروهای متورم منطقه‌ای همچون حماس، حزب الله و وحشی‌ها. در این میان، اسرائیل تمرکز ویژه‌ای بر یک گزینگی مشخص دارد: بازسازی شتابان تأسیسات تولید موشک‌های بالستیک در زیرساخت‌هایی که در صورت آغاز هرگونه درگیری نظامی، نخستین اهداف حمله قرار خواهند گرفت.

ترامپ در جستجوی توافق بدون باتلاق

دولاد ترامپ که پیشتر به نشان دادن خود را به اقدامهای نظامی سریع و محدود تمایل داشت، اینبار به ظاهر آن را پی توافقی است که بتواند آن را به عنوان «پروزی» عرضه کند، بدون آن که به باتلاقی یک جنگ طولانی و منطقه ای فرو رود؛ حتی که به تهاجر صورت حمله، صریحاً به آن هشدار داده است. چنین درگیری ای می تواند به کشته شدن ده ها آمریکایی، بیجان شدن هزاره ها، سگین و اسرائیل وارد کند، بازمانده از این نبرد را در اسرائیل و آمریکا، پایگاه سیاسی «جیش ماگاز» که از منتقدان نهایی،

جنگ‌های فرسایشی آمریکا در خاورمیانه و افغانستان بوده‌اند علیه او بشوراند.

این دوران را می‌گذرانیم

عباس عراقچی:

ر خارجه کشورمان با بیان این که «دیپلماسی هوشمندانه
سروست است»، گفت: فکر می‌کنم با هدایت مدبرانه رهبری
ش دولت و شخص رئیس‌جمهور و ما نیز در وزارت خارجه،
ار و مطمئنم این دوران را می‌گذرانیم.

«سید عباس عراقچی» وزیر خارجه کشورمان در نشست خبری با خبرنگاران، پس از اتمام مراسم، در مورد تحولات منطقه و سیاست خارجی ایران گفت: «ایران به دنبال برقراری صلح و ثبات در منطقه است و هیچگاه به دنبال تهاجم به هیچ کشوری نیست». وی افزود: «ایران به دنبال برقراری صلح و ثبات در منطقه است و هیچگاه به دنبال تهاجم به هیچ کشوری نیست». وی افزود: «ایران به دنبال برقراری صلح و ثبات در منطقه است و هیچگاه به دنبال تهاجم به هیچ کشوری نیست».

ادامه داد: این کار یعنی بازگشت به قانون جنگل، هر کسی ر هست سعی می‌کند زور خود را اعمال کند، اگر ضعیف بایمال می‌شوی این اصل اول قانون جنگل است.

خارجہ گفت: یکی از رموز قوی شدن قدرت مقاومت است. بتوانی در برابر فشارها ایستادگی کنی، اگر ناوہا را دور و بر

چارچوب هماهنگی شیعه عراق با تأکید دوباره بر نامزدی نوری کامل المالکی
برای تصدی پست نخست‌وزیری، هرگونه دخالت یا فشار خارجی در روند
انتخاب رئیس دولت این کشور را قاطعانه رد کرده است. با این حال، مخالفان
صریح ایالات متحده، کمپسور بازرگشت نخست‌وزیر سابق عراق به قدرت را با
بهمام‌های شیعه عراق به پیرو کرده است.

دوئالد ترامپ اخیراً در یک مصاحبه با شبکه اجتماعی تروث سوشل مشہور داد: «شودیدم کشور بزرگ عراق ممکن است اشتباهی بسیار بزرگ مرتکب شده و این برای ما مایه نگرانی است». ترامپ در این مصاحبه با شبکه اجتماعی تروث سوشل مشہور داد: «شودیدم کشور بزرگ عراق ممکن است اشتباهی بسیار بزرگ مرتکب شده و این برای ما مایه نگرانی است». ترامپ در این مصاحبه با شبکه اجتماعی تروث سوشل مشہور داد: «شودیدم کشور بزرگ عراق ممکن است اشتباهی بسیار بزرگ مرتکب شده و این برای ما مایه نگرانی است».



چرا آمریکا مخالف است؟

مسیر ناهموار بازگشت مالکی

اهداف بزرگی را دنبال می‌کند و برنامه‌هایی برای اعمال قانون و کمک به تأمین امنیت داخلی عراق دارد. همچنین درباره روابط خارجی عراق و مسائلی صحبت می‌کند که مردم عراق این کشور به آن نیاز دارند.

***راهزانی مالی یکی از بزرگترین چالش‌های عراق در بغداد است. گروه‌هایی در عراق نمی‌خواهند یک نفر در بغداد اقامت داشته باشد، مخصوصاً راپرل. آنها نگاه متفاوتی نسبت به بغداد و قانون اساسی دارند و معتقدند اگر بغداد خیلی قوی شود، خودشان ضعیف خواهند شد. بنابراین یک راهبردی وجود دارد که به مردم عراق می‌گوید ضعیف بماند تا مناطق دیگر نتوانند نفوذ و قدرت خود را حفظ کنند. این نگاه کراهت‌ساز است.

سني‌ها نیز همین نگاه را دارند. آن‌ها اصرار می‌کنند نخست‌وزیر شیعه ضعیف باشد که بتوانند خودخواسته‌های خود را اعمال کنند، اما یک دیدگاه مخالف و متعصب به نفع‌شان نیست. این وضعیت حتی در داخل شیعیان هم دیده می‌شود؛ در حالی که در میان حزب الدعوة و آقای مالکی تمایل دارند فردی ضعیف نخست‌وزیر باشد تا بتوانند در مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی نقش داشته باشند.

آقای مالکی در دو دوره نخست‌وزیری خود بسیار قوی عمل کرد. به عنوان مثال، در جنگ داخلی در بصره، درگیری‌های شدیدی میان دولت مالکی و گروهی استراتژیک طرفدار آقای مقتدی صدر رخ داد. این منگنه از نظر تفکر عراق بسیار رایج است: آقای مالکی ارتش را به بصره فرستاد تا شورش را مهار کند. آن‌ها این ارتش عراق را قتل عام کردند و به همین دلیل خود مالکی به بصره رفت. در حالی که این موضوع در عراق یک منگنه رایج است، اما در ایران به نفع مالکی نیست.



همین عملکرد قوی و قاطعانه در مواجهه با گروه‌های سرکش، باعث شده که به‌ویژه، به دلیل قدرت و قاطعیت او در محاکمه و زندان افتادند.

محمدرضا پهلوی نیز به همین روش برخورد می‌کرد. او همواره بر این تأکید داشت که حکومت باید قاطع باشد و هیچ‌کس را از مجازات فرار ندهد. او معتقد بود که تنها با برخورد قوی و قاطعانه می‌توان نظم و انضباط را در جامعه برقرار کرد.